پاورقی

۱۷۹ خاطرات ۴۵۳ روز حضور در کاخ سفید

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

شروط ترامپ برای جانشین نیکی هیلی

حضور در نیویورک به من یادآوری می‌کرد که چرا سفیران امریکا در سازمان ملل نباید از جایگاه اداری همسطح با اعضای کابینه برخوردار باشند (حداقل رویکرد سنتی جمهوریخواهان این طور بود)، یا اگر پست تشریفاتی عضویت در کابینه را دریافت کردند، رئیس جمهوری باید به آنها تأکید کند که بدون هیچ شک و تردیدی فقط یک نفر در دولت سمت وزیر خارجه را برعهده دارد. نیکی هیلی سفیر امریکا در سازمان ملل متحد، هرگز این نکته را درک نکرده بود و همه شنیده هایم درباره او، از جمله به طورمستقیم از شخص رئیس جمهوری حکایت از این داشت که او و تیلرسون، اولین وزیر خارجه ترامپ، از ته دل ازهم متنفر بوده‌اند (شاید هم چنین نفرتی از ته دل نبود). یکی از شواهد اولیه درباره اینکه هیلی واقعاً در این زمینه مشکل دارد، به سوء مدیریت او درباره مسأله تحریم‌های روسیه مربوط می‌شد که بعد از حمله امریکا به سوریه (به اصطلاح به تلافی استفاده از تسلیحات شیمیایی) در ماه آوریل نمود پیدا کرد. شواهد مشابهی از رفتار مشکل دار هیلی بار دیگر در ماه ژوئن در رابطه با خروج امریکا از شورای «نامشروع» حقوق بشر سازمان ملل متحد بروز کرد. ترامپ پس از توصیه‌های مشاورانش با خروج از این شورا موافقت و در جلسه اتاق بیضی با حضور من، هیلی و پمپئو بر ضرورت انجام این کار تأکید کرد. در این جلسه ترامپ بعد از اعلام موافقت با چنین طرحی از هیلی پرسید: «اوضاع چگونه پیش می‌رود؟» و هیلی با پیش کشیدن مذاکرات تجاری با چین - که اصلاً در حیطه مسئولیت او نبود - به او پاسخ داد. ترامپ سپس همچون همیشه و به‌صورت طولانی درباره مسائل تجاری که از جمله مسائل مورد علاقه وی بود سخنرانی کرد (از جمله این که دوباره گفت اتحادیه اروپا درست مانند چین است فقط اندکی کوچکتر است). هیلی در ادامه جلسه از ترامپ درباره سفری که قرار بود به هند و برای دیدار با «دالای لاما» رهبر بودائیان تبت انجام دهد، کسب تکلیف کرد. هدف از این سفر معلوم نبود، جز این که فرصتی را برای هیلی جهت گرفتن عکس یادگاری با دالای لاما ایجاد می‌کرد؛ فرصتی که همیشه برای سیاستمداران جاه طلب خوب است. اما زمین مینی که هیلی با مطرح کردن بحث مسائل تجاری چین وارد آن شد، نشان می‌داد که از قابلیت‌های سیاسی چندانی برخوردار نیست: همین که ترامپ فهمید چین ممکن است چه نظری به سفر هیلی به هند و دیدارش با دالای لاما داشته باشد، این سفر اساساً منتفی شد. این اتفاق به پمپئو ثابت کرد که ترامپ تا چه اندازه به هیلی اختیار و قدرت داده که می‌تواند این گونه از وظایف اصلی اش دور شود و در مسئولیت‌های وزیر خارجه دخالت کند. پمپئو معتقد بود که به همین دلایل باید جلوی اقدامات هیلی گرفته می‌شد. در هر صورت، ما ۱۹ ژوئن از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شدیم. جایگزین کردن مقام‌های ارشدی که دولت را ترک می‌کردند نیز بسیار دشوار بود بویژه این که به پایان دومین سال ریاست جمهوری ترامپ نزدیک می‌شدیم. انتخاب جانشین هیلی یکی از این ماراتن‌های دشوار بود. هیلی بعد از رایزنی‌های جداگانه با ترامپ، ایوانکا و کوشنر درباره یک موضوع «کاملاً شخصی»، در تاریخ ۹ اکتبر به کلی (نه من و نه پمپئو) گفت که قصد دارد استعفا دهد. البته استعفای او چند بار تمدید شد تا این که او در نهایت ۳۱ دسامبر استعفا داد. با این استعفا، برای بسیاری از افراد دیگر جای شک و شبهه‌ای باقی نماند که رقابت درون حزبی جمهوریخواهان برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری از هم اکنون آغاز شده است. هیلی در اظهاراتی تعجب برانگیز در حالی که کنار رئیس جمهوری در اتاق بیضی نشسته بود موضوع رقابت در انتخابات ۲۰۲۰ را رد کرد و به این ترتیب توانست به همه یادآوری کند که او برای (کمک به دولت) همیشه در دسترس خواهد بود. هیلی گفت: «نه، من در انتخابات ۲۰۲۰ رقابت نمی‌کنم... قول می‌دهم کاری که انجام خواهم داد تبلیغ برای این یکی (رئیس جمهوری فعلی) است.» بسیاری از افراد هم نظرشان بر این بود که او تلاش می‌کند در انتخابات بعدی به جای مایک پنس نامزد پست معاون رئیس جمهوری شود. این دیدگاه مورد تأیید کوشنر و ایوانکا بود و صرفاً یک حدس و گمان بی‌پایه و اساس نبود. یکی از شروط ترامپ این بود که جانشین هیلی حتماً زن باشد. «دینا پاول»، نخستین نامزد مطرح و پر امید برای تصدی پست سفیر امریکا در سازمان ملل پیشتر در شورای امنیت ملی کار کرده بود و خانواده ترامپ هم ترجیح می‌دادند او جانشین هیلی شود. بنابراین در ابتدا به نظر می‌رسید که انتخاب او برای این سمت قطعی شده باشد، ولی مخالفت‌های زیادی علیه خانم پاول شکل گرفت و طولی نکشید که جست و جو برای نامزدهای دیگری آغاز شد. من و پمپئو از همان ابتدا موافق این امر بودیم که سفیر امریکا در سازمان ملل نباید در کابینه سمتی داشته باشد اما ابتدا باید ترامپ را در این زمینه قانع می‌کردیم. ترامپ معتقد بود داشتن «پست کابینه» به سفیر امریکا در سازمان ملل «برای انجام وظایفش کمک خواهد کرد»؛ من و پمپئو دیگر حرفی برای گفتن نداشتیم. به نظر من اگر کسی برای انجام مسئولیت‌هایش به‌عنوان سفیر به چنین کمکی نیاز داشته باشد، باید به‌دنبال کار دیگری برود. به غیر از موضوع پست کابینه، من و پمپئو برای چند هفته درباره گزینه‌های جایگزین هیلی گفت‌وگو و با برخی از این گزینه‌ها هم برای ارزیابی میزان تمایل‌شان برای تصدی این کرسی رایزنی کردیم. وقتی بررسی‌ها تمام شد هر دوی ما به این نتیجه رسیدیم که «کلی کرافت» سفیر امریکا در کانادا معقول‌ترین انتخاب برای جانشینی هیلی است. کرافت علاوه بر این که قابلیت‌های لازم را برای تصدی این شغل داشت در همین دولت هم به‌عنوان سفیر خدمت می‌کرد و صلاحیت او کاملاً تأیید شده و مجوزهای امنیتی مناسب نیز به او اعطا شده بود و از این‌رو کاملاً آمادگی داشت که مسئولیت جدید خود را سریعاً شروع کند. در همین اثنا، کاخ سفید در وضعیتی قرار گرفته بود که گویی همه سرگرم توطئه چینی هستند، زیرا هر کسی به این فکر می‌کرد که چه کسی باید جانشین هیلی شود. بسیاری به من می‌گفتند که هرگز نباید درباره یک موضوع به کسی اعتماد کنم، هرچند که هیچ وقت برای شخص من در این زمینه مشکلی پیش نیامد. شاید هم آنها درست می‌گفتند.

دور نما

ویک (امریکا):
جو بایدن در مراسم تحلیف خود خواهان اتحاد شد. مورد خطاب او در این درخواست، نه فقط از مردم امریکا که در واقع دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نیز بود. اما به دلایل بسیار بعید به نظر می‌رسد، بایدن بتواند چنین اتحادی را بین دو حزب برقرار سازد.

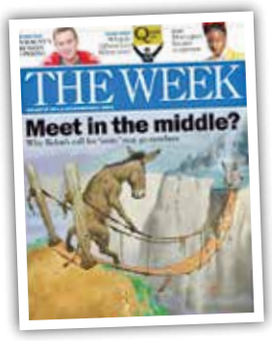

لوموند دیپلماتیک (فرانسه):
بایدن از مردم کشورش خواسته تا از حقیقت دفاع کنند و دروغ را شکست دهند. اما آیا در زمانه‌ای که شبکه‌های اجتماعی به یاری طیف‌های لیبرال می‌روند تا حرکتی را در جامعه به راه اندازند و نوعی جدید از سانسور را رقم زنند، می توان به ارزش‌های واقعی لیبرال‌ها اعتقاد داشت؟

اسپکتیتور (بریتانیا):
کشورها به جای همکاری با یکدیگر برای ساخت واکسنی که می‌تواند جان همه مردم دنیا را نجات دهد، وارد یک رقابت جدی شده‌اند. این نبرد بر سر ساخت واکسن کووید ۱۹ را می‌توان اولین نبرد بزرگ ژئو پلتیک در قرن بیست و یکم دانست که فعلاً برنده‌ای ندارد.

پوتین رویاروی پارازیت معترضان

بنفشه غلامی/ برای «ولادیمیر پوتین»، مرد قدرتمند کرملین که در طول دو دهه روسیه را از جایگاه یک کشور دچار فروپاشی شده، به کشوری تبدیل کرده که یک تنه با امریکا و اروپا مچ می‌اندازد و میانجی و بازیگر اول شماری از مهم‌ترین مناقشات وبحران‌های جهانی است، «الکسی ناوالنی»، بزرگترین چالشی است که در ۲۰ سال اخیر در داخل کشور خود با آن مواجه شده است. آیا «پوتین» خواهد توانست از پس این چالش برآید؟ این سؤالی است که کاهش قابل توجه شرکت‌کنندگان در تجمع حامیان «ناوالنی» در آن پاسخ را مشخص می‌کند. هر چند که مخالفان علت کاهش شمار تظاهرات‌کنندگان را بسته بودن خطوط مترو عنوان کرده‌اند.

به گزارش شبکه خبری «اسپوتنیک»، یک هفته پس از تظاهراتی مشابه که در پی ورود «الکسی ناوالنی» به روسیه در مسکو، سن پترزبورگ و یکی دو شهر دیگر روسیه انجام شد، از نخستین ساعات روز یکشنبه، همین شهرها دیگر بار شاهد حامیان مخالف معروف کرملین بودند که دادستانی روسیه می‌گوید احتمالاً به ۱۵ سال حبس محکوم خواهد شد. به گزارش خبرگزاری روسی «تاس»، ساعتی پیش از این تجمعات که بدون مجوز برگزار شدند، وزارت کشور روسیه درباره آنها هشدار داده و از شهروندان خواسته بود به نوجوانان خود که زیر سن قانونی هستند، اجازه شرکت در اعتراضات را ندهند. سخنگوی این وزارتخانه نیز در سخنانی سامان‌دهندگان چنین اعتراضاتی را متهم کرد که شهروندان را تحریک می‌کنند تا رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به عوامل پلیس که نظم کشور را ساماندهی می‌کنند، داشته باشند. وزارت خارجه روسیه عصر دیروز نیز از امریکا خواست مداخله در امور داخلی روسیه را متوقف کند. این وزارتخانه افزود، امریکا از تظاهرات در حمایت از الکسی ناوالنی حمایت می‌کند.

در همین حال دادستانی روسیه نیز هشدار داد که اقدامات تحریک‌آمیز و خشونت در تجمع‌هایی که فاقد مجوز هستند، پیگرد قانونی خواهد داشت. در مسکو، پایتخت روسیه که تصور می‌شد احتمالاً شاهد بیشترین شمار معترضان باشد، نیروهای امنیتی تدابیری ویژه اتخاذ کرده بودند. پلیس مسکو برای کاهش رویارویی‌های احتمالی بین معترضان و نیروهای پلیس، چند خیابان را بسته و همچنین هفت ایستگاه مترو را که از قبل مشخص بود، معترضان با استفاده از آنها به محل‌های مشخص شده خواهند رفت، بستند. پلیس مسکو همچنین اعلام کرد، این محدودیت‌ها تا اطلاع ثانوی اعمال خواهد شد. این تدابیر باعث شد، شمار معترضان در مسکو کاهش قابل توجهی داشته باشد. سایت شبکه خبری «الجزیره» نیز گزارش کرد، معترضان ساکن ولادی ووستوک در شرق روسیه، اولین گروه از معترضانی بودند که دیروز در تظاهرات حمایت‌آمیز از «ناوالنی» شرکت کردند. شهری که سایت شبکه خبری «اسپوتنیک» خبر داده، شمار معترضان آن به ۱۵۰ نفر می‌رسید و ۱۰۰ نفر از آنان بازداشت شدند. این در حالی است که ناظران مستقل به شبکه خبری «فرانس پرس» گفته‌اند کلاً در سراسر روسیه یک هزار نفر دستگیر شدند. هفته پیش همین خبرگزاری از دستگیری ۴ هزار معترض روس خبر داده بود.

سن پترزبورگ هم دیگر شهری بود که هفته پیش معترضان زیادی در آن تجمع کردند و این هفته نیز شاهد حضور آنان بود. به گزارش «الجزیره» پلیس این شهر پیش از برپایی تظاهرات در منطقه تجمع کرد که همین باعث شد معترضان تصمیم بگیرند محل تجمع را تغییر دهند اما در نهایت این اعتراضات نیز با کاهش جمعیت معترضان برگزار شد.

شمار شهرهایی که تظاهرات ضد دولتی در آنها رخ داد، تا عصر دیروز به یکصد شهر رسید اما این به معنای آن نبود که تظاهرات‌ها گسترده و مشابه اعتراض‌های هفته قبل باشند.

به نوشته «جیمز راجرز» از تحلیلگران ارشد «فوربز»، موج اعتراض‌هایی که در دو هفته اخیر در روسیه شکل گرفته، بعید است بتواند تغییری عمده در این کشور ایجاد کند. همان طور که اعتراض‌هایی که زمانی «گری کاسپاروف»، قهرمان شطرنج جهان علیه «پوتین» به راه انداخت، نتوانست به جایی برسد. در آن زمان «کاسپاروف» توانست تنها ۲ هزار نفر از مردم مسکو را با خود همراه سازد که برای شهری با جمعیتی ۱۱ میلیون نفری، رقم قابل توجهی نیست. علت اقبال اندک مردم به معترضان حامی «کاسپاروف»، کارنامه موفق «پوتین» در احیای قدرت و عظمت روسیه، پس ازفروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بودکه غرور ملی روس‌ها را در عرصه جهانی به آنان بازگردانده و وضعیت اقتصاد کشور و معاش شهروندانش را بهبود نسبی بخشیده بود. در آن زمان «پوتین» توانست کشور را بخوبی اداره کرده و مردم را که در پایان روزهای اتحاد جماهیر شوروی فقر را با گوشت و پوست و استخوان لمس می‌کردند، به رفاهی قابل توجه برساند. بویژه که در آن ایام روسیه سود زیادی بابت افزایش بهای نفت به دست آورد. در واقع آن زمان «پوتین» بدون توسل به باتوم و زندان و تنها با پول و تجربه‌های تاریخی ناگوار مردم از هرج و مرج و جنگ، موفق شد شمار بیشتری از مردم کشورش را همراه خود سازد.

اکنون نیز با تشدید فشارهای تحریمی امریکا و اروپا شاید روسیه از نظر اقتصادی دچار مشکلاتی شده باشد و استانداردهای زندگی در این کشور کاهش یافته باشد. اما هنوز نسلی که خاطره روزهای سلطه کمونیسم بر کشور را فراموش نکرده‌اند و تجربه نخستین سال‌های فروپاشی شوروی و هرج و مرج ناشی از آن را به یاد دارند، مانع از آن می‌شود که «ناوالنی» بتواند حداقل در آینده‌ای نزدیک به خواسته‌های خود دست یابد. برای آینده دورتر نیز «پوتین» که آینده سیاسی طولانی‌ای برای خود تعریف کرده، می‌دانند که باید به ایده‌های جدیدی دست زند. یعنی مشابه آنچه که او یک دهه قبل با افزایش رفاه عمومی رقم زد و زمزمه‌های «کاسپاروف» را بی‌نتیجه گذاشت. در کل آنچه مسلم است، تظاهرات‌های اخیر در روسیه، به هیچ وجه بحرانی غیر قابل مهار برای «پوتین» نخواهد بود. هرچند همین حد از اعتراض‌ها و تداوم نسبی تظاهرات هم دور از انتظار و خلاف پیش‌بینی‌ها بود، اما به نظر می‌رسد، به تهدیدی جدی علیه پوتین تبدیل نخواهد شد و درنهایت، موفقیتی ملموس، نصیب معترضان نخواهد کرد و در واقع، میان‌پرده‌ای کوتاه در یک تازی بی‌رقیب و بلامنازع پوتین در صحنه سیاست روسیه است.

Reuters

مطالبه «شی جین پینگ» از جهان

استفن ام. والت
مترجم: زهره صفاری

روز ۲۵ ژانویه، «شی جین پینگ»، رئیس جمهوری چین نطق مجازی‌اش در کنفرانس بین‌المللی اقتصادی «داووس» را با عنوانی پرطمطراق آغاز کرد؛ «مشعل چندجانبه‌گرایی را در مسیر حرکت رو به جلو بشریت روشن نگه داریم». این جمله مهمی بود اما نه به این دلیل که افکار «شی» یا چشم‌انداز بلند چین را آشکار کرد بلکه چون تصویری کوچک از اینکه چین می‌خواهد چطور از سوی دیگران دیده شود را مشخص کرد.

گرچه بسیاری از بخش‌های سخنرانی «شی» به نظر درست و صادقانه می‌آمد اما ماهیت عمومی این نمایش و برخی مغایرت‌های آشکار آن، لزوم مطالعه دقیق و منتقدانه را ایجاد کرده است. اینکه چطور این سخنرانی را باید تفسیر کرد؟ و بهترین واکنش دیگر کشورها به آن چه خواهد بود؟

قدرت‌های بزرگ برای اینکه در دیدگاه دیگران مثبت ارزیابی شوند درصدد جذب حامیان بیشتر و به حداقل رساندن دشمنانشان برمی‌آیند. چین تحت حاکمیت «شی» نیز از این امر مستثنی نیست اما در عین حالی که سعی در به رخ کشیدن قدرت در حال رشد کشورش دارد، می‌خواهد آن را به عنوان ابرقدرتی نیک‌اندیش جا بزند که هدفی جز کسب بهترین منافع برای بشر را در سینه ندارد. او خواستار تعاملات در حوزه اقتصاد کلان است تا بتواند اقتصاد جهانی را به رشدی پیوسته، قدرتمند، ثابت، متعادل و همه‌گیر برساند. او همواره با بیان اینکه «دولت‌ها باید ایدئولوژی‌های متعصبانه خود را کنار گذاشته و به جاده زیست صلح‌آمیز، منافع مشترک و تعاملات برد- برد قدم بگذارند» خواسته آشنای چین را تکرار می‌کند. او می‌گوید: «هیچ دو برگی در جهان یکسان نیستند» و تأکید می‌کند که «هر کشوری بی‌همتا است» و «هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.»

«شی» راهی برای دستیابی به جهان سوم یافت و چین را «ثابت قدم‌ترین عضو کشورهای در حال توسعه» نامید. او همچنین حامی سرسخت پایان «تقسیم‌بندی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه» است و می‌گوید کشورها باید «در کنار یکدیگر در برابر چالش‌های جهانی بایستند و با همبستگی بهترین آینده بشر را رقم بزنند.»

او به بحث چندجانبه‌گرایی نیز بارها اشاره کرد و «راهبرد صحیح» را تأکید بر «ترجیح منافع مشترک بشر مانند صلح، پیشرفت، برابری، عدل، دموکراسی و آزادی بر ایدئولوژی‌های متعصبانه و همچنین ایجاد مکانیسم‌ها، اجزا و سیاست‌های تعامل در فضای باز و با امکانات ممکن دانست.» در همین راستا او درصدد است «با ایجاد اقتصاد باز جهانی، حاکمیت تجاری چندجانبه را تقویت کرده... و موانع سد راه تجارت، سرمایه‌گذاری و تبادلات فناوری را بردارد». سازمان بهداشت جهانی باید با «تلاشی همه‌جانبه» برای ساخت «جامعه جهانی سلامت برای همه» گام بردارد و سازمان تجارت جهانی نیز باید اصلاح شود. یک «ساختار سیاسی با محوریت افراد و بر پایه حقایق» باید قوانین حاکم بر رشد فناوری را هدایت کند. تمایل «شی» برای تقویت سازمان بهداشت جهانی و تجارت جهانی قابل تحسین است اما اقدامات گذشته چین دست‌کم تا حدودی مشروعیت آنها را زیر سؤال برده است (گرچه دولت ترامپ نیز در این راه باید سرزنش شود). درباره منطق او برای «صراحت» و صداقت اطلاعاتی در دست نیست؛ چراکه در سابقه او تلاشی برای ویرانی «دیوار بزرگ آتش چین» یا برداشتن محدودیت‌های رو به افزایش و حتی تهدیدآمیز علیه خبرنگاران خارجی دیده نمی‌شود. گرچه «شی» سعی در القای این مفهوم دارد که چین به قلمروی سرزمینی یا اقلیت‌ها احترام می‌گذارد اما مداخله در دیگر کشورها و تلاش برای ریشه‌کن کردن فرهنگ اویغورها توسط این کشور قابل چشم‌پوشی نیست.

اجازه دهید شفاف باشم، نمی‌گویم این سخنرانی چیزی بیش از یک نمایش تبلیغاتی بود یا آنچه «شی» بیان کرد، غیرواقع بود. تنها می‌گویم اقدام رئیس جمهوری چین، درست مشابه سایر رهبران جهان بود. جورج بوش پدر هم زمانی مدعی این شد که امریکا از قدرت عظیم خود برای تغییراتی در جهان استفاده می‌کند که نه تنها به نفع این کشور که به نفع تمام مردم جهان است. اما همان طور که زمانی «ای. اچ کار»، مورخ می‌گوید: «انگلیسی زبانان اساتید هنر پنهان نگه‌داشتن امیال خودخواهانه در کسوت منافع عمومی هستند.» اما این گرایش تنها به انگلیسی زبانان محدود نمی‌شود.

در اینجا نکته این است که حتی وقتی مقامات عالیرتبه اهداف و خواسته‌هایشان را صریح و صادقانه می‌گویند، تضمینی برای تغییر نکردن این اهداف و خواسته‌ها وجود ندارد. تاریخ سال‌های اخیر چین نمونه کاملی است از این گرایش: در حالی که قدرت افزایش یافته است، خواسته‌ها و بلندپروازی‌ها نیز رشد کرده‌اند و واژه «منافع پایه» گسترش یافته است. اگر غیر از این باشد، عجیب است.

درست همان‌طور که وقتی کسی برنده قرعه‌کشی می‌شود یا ناگهان ثروتی بزرگ به ارث می‌برد، ناگهان خواسته‌هایی برایش مهم می‌شوند که تا پیش از اینکه به این ثروت برسد، برایش مهم نبودند و برنامه‌ای برای آنها نداشته است.

پس در این شرایط دیگر کشورها و بویژه امریکا باید چه واکنشی دربرابر سخنرانی «شی جین پینگ» داشته باشند؟ بیش از همه کشورها، امریکا نباید به سادگی از کنار این سخنرانی به عنوان اینکه یک گفتمان تبلیغی بی‌معنی با هدف فریب دادن مخاطبان و پنهان کردن اهداف واقعی چین بگذرند. نادیده گرفتن آن به معنای نادیده گرفتن این احتمال است که چین واقعاً خواهان همکاری سودمند متقابل در برخی زمینه‌های مهم است. حتی اگر این همکاری برای بهره‌مندی از مزایایی دیگر باشد.

مهم‌تر از همه، امریکا نباید طوری پاسخ دهد که به نظر برسد چین نسبت به واشنگتن مسئولیت‌پذیری بیشتری دارد یا باعث شود امریکایی‌ها خودخواه و فاقد حساسیت‌های لازم نشان داده شوند. امریکا و سایر کشورها باید به جای انتقاد و یا رد کردن پیشنهاد رئیس جمهوری چین، دست به آزمون «شی» و سنجش تمایل او به همکاری‌های متقابل بزنند. آنها می‌توانند با شناسایی مواردی که منافع دو طرف را برآورده می‌کند و احتمال توافق بین آنها را بالا می‌برد، دست به این کار بزنند. در نهایت امریکا باید «شی» را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد و برای تعامل چندجانبه آماده شود.

هیچ‌یک از این پیشنهادها واقعیت رقابت بین چین و امریکا را از بین نمی‌برد. «شی» ممکن است واقعاً معتقد باشد که بازی صفر صفر یا برد برد، راهکار مردم چین نیست. اما این مسأله قابل توجه است که این گرایش با تلاش‌های سابق چین تفاوت دارد. مهم نیست او به چه فکر می‌کند، مهم این است که رقابت بین دو قدرت در ساختار نوظهور بین‌الملل بسیار پیچیده است و برخی جنبه‌های این رقابت نمی‌تواند بازی صفر صفر باشد. برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی، چالش واقعی نگه داشتن این رقابت در حدی قابل قبول و ایجاد نظمی جهانی است که به هر دو قدرت امکان همکاری در برخی زمینه‌ها را بدهد.

منبع: Foreign Policy

Xinhua

اخبار

گام بزرگ تجاری «جانسون»

گروه جهان/ یک سال پس از جدایی رسمی بریتانیا از اتحادیه اروپا، این کشور برای عضویت در پیمان تجاری ترانس پاسیفیک(CPTPP) پیشقدم شد.

به گزارش «فرانس پرس»، «لیز تروس» وزیر تجارت بین‌المللی این کشور قرار است درخواست رسمی برای پیوستن به بلوک تجارت آزاد ترانس-پاسیفیک را امروز ارائه کند. بنا بر اعلام وزارت تجارت بریتانیا انتظار می‌رود مذاکرات در سال جاری انجام شود. «بوریس جانسون»، نخست‌وزیر انگلیس در این باره گفت: «یک سال پس از جدایی از اتحادیه اروپا، مصمم به پیوستن به قراردادی هستیم که می‌تواند سود اقتصادی بالایی به مردم کشورمان برساند. امیدواریم این قرارداد که نخستین قرارداد بزرگ تجاری کشور مستقل بریتانیا است، اهداف ما برای تجارت آزاد با دوستان و شرکایمان درسراسر جهان را ایجاد کند.» «تروس» وزیر تجارت بین‌الملل بریتانیا نیز که قرار است صبح امروز با همتایان ژاپنی و نیوزیلندی اش وارد مذاکره شود، گفت: «در حالی که کمتر از ۱۰ درصد صادرات انگلیس به کشورهای عضو پیمان تجاری ترانس-پاسیفیک است اما عضویت در این بلوک می‌تواند فرصت‌های بسیاری برای کسب و کار انگلیس به وجود آورد. چراکه این پیمان به معنای کاهش تعرفه‌ها برای خودروسازان و دسترسی بیشتر به خدمات و ایجاد مشاغل در داخل کشور است. انگلیس پیش از آغاز رسمی مذاکرات، تجزیه و تحلیل و اهداف مذاکره را منتشر خواهد کرد.»

پنج وکیل رئیس جمهوری سابق امریکا استعفا کردند

گروه جهان/ پافشاری «دونالد ترامپ» بر ادعای بدون سندش درباره تقلب در انتخابات، کمتر از دو هفته تا برگزاری دادگاه دومین استیضاحش دردسرساز شد و تیم ۵ نفره وکلایش را مجبور به استعفا کرد. به گزارش «سی‌ان‌ان»، یک منبع نزدیک به رئیس جمهور سابق امریکا اعلام کرد؛ «باج بوئرز» و «دبورا باربیر» که دو وکیل ارشد تیم دفاعی ترامپ برای استیضاح بودند در حالی به همراه «جاش هاوارد»، «جانی گاسر» و «کرگ هریس» از همراهی ترامپ کنار کشیدند که اصرار بر پایبندی رئیس جمهور بر قانون اساسی را داشتند اما دستور کاری که موکلشان برایشان تعیین کرده بود تأکید بر تقلب و سرقت آرای او در انتخابات ۲۰۲۰ بود. به گزارش «گاردین»، «باج بوئرز» و «دبورا باربیر» وکلای اهل کارولینای جنوبی پس از استعفا این اقدام را «تصمیمی دوجانبه» خواندند. اما هواداران ترامپ همچنان از رهایی رئیس جمهور سابق از استیضاح ناامید نشده‌اند. به‌طوری که «جیسون میلر»، مشاور سابق ترامپ معتقد است: «دموکرات‌ها اصرار بر استیضاح رئیس جمهوری دارند که کاخ سفید را ترک کرده و این غیرقانونی است. ۴۵ نفر از سناتورها نیز بر غیرقانونی بودن آن صحه گذاشته و با این استیضاح مخالفت کرده‌اند.»

آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی (فشرده)
شماره ۱۴۲-۹۹/۱۱ت
نوبت چهارم
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران به‌نمایندگی از سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در نظر دارد «انجام ۱۰ هزار متر عملیات حفاری مغزه‌گیری در محدوده‌های اکتشافی استان‌های اصفهان، خراسان جنوبی، کرمان» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بشماره ثبت ستاد ۲۰۹۹۰۰۰۱۰۲۸۰۰۰۰۷۳ و با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه با تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۶ (شش میلیارد و هشتاد میلیون) ریال (واریز نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی) برگزار نماید. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ و مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت تا ساعت ۱۷ مورخ ۹۹/۱۱/۲۲ و مهلت ارائه پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۷ مورخ ۹۹/۱۲/۰۲ می‌باشد و جلسه بازگشایی پاکات صبح روز یکشنبه مورخ ۹۹/۱۲/۰۳ برگزار می‌گردد.
علاقه‌مندان شرکت در مناقصه می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی با شماره‌های دفتر ثبت‌نام ۴۱۹۳۴ تماس و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.